

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مبیاد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۰۱۰ \ ۹ \ ۱۲

شهر اسن - المان

به اقتراح از بخش دوم "نوی غربت"

به اقتراح از بخش دوم "نوی غربت" (قسمت دهم) رباعیات، دوبیتی های جناب محترم، الحاج خلیل الله ناظم باختری که دیروز در همین سایت وزین (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) به زیور نشر مزین شده بود تقدیم است:

از محترم الحاج ناظم باختری:

مدیر مسؤل مجله آئینه افغانستان

هاشمیان مهربان ناظم است
مهربان و قدردان ناظم است
هر کسی کو با وفا باشد مُدام
نور چشم و جسم و جان ناظم است

از نعمت الله مختارزاده:

هاشمیان هم پروفیسور و ، خیلی عالم است
سید والاگهر ، هم حاجی و هم حازم است
با همه یکسان ، محبت ، آشنائی میکند
گرچه همانم و ، ز یاران قدیم ناظم است

از محترم الحاج ناظم باختری:

ابراز امتنان از احوالپرسی محترم "وهاج"
مدیر مسؤل مجله "درد دل افغان"

چون وهاج ما وفاداری کند
با وطنداران ، وطنداری کند
مهربانی می کند با ناظمش
غمگساری کرد و غمخواری کند

از نعمت الله مختارزاده :

گر و هاجِ مهربان یاری کند
دردِ دل ها را پرستاری کند
او به امریکا و ما در آلمان
بر وطنداران وفا داری کند

از محترم الحاج ناظم باختری:

یاددهانی از مهربانیهای احمد شاه خان سدوزائی

سدوزائی آنکه باشد یارِ ما
شاعرِ نام آور و سردارِ ما
آنکه بودی روز و شب غمخوارِ ما
هم انیس و مونس و دلدارِ ما

از نعمت الله مختارزاده :

تا سدوزائی انیس و یارِ ما
شاعرِ نام آور و سردارِ ما
روز و شب اندر دیارانِ غریب
داروی دردِ دلِ بیمارِ ما

از محترم الحاج ناظم باختری:

اظهار امتنان از مهربانیهای فخرالشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

از صفای دوستان باید قدردانی نمود
در عیان و در نهان باید قدردانی نمود
روز و شب مدیون احسان عزیزان بوده ام
از "اسیر" مهربان باید قدر دانی نمود

از نعمت الله مختارزاده :

از وفای دوستان ، باید قدردانی نمود
بر صفای گلرخان ، هر لحظه قربانی نمود
در حضورِ محترم ، استاد اسیرِ مهربان
جان و دل را بر فدایش باید ارزانی نمود

از محترم الحاج ناظم باختری:

قدردانی از مهربانی های نعمت الله مختار زاده

در میان دوستان با دُر برابر بینمت
آفتاب روشن و بدر - منور بینمت
نعمت الله جان مختار زاده باشی برقرار
سریند هر دو عالم نزد داور بینمت

از نعمت الله مختارزاده

در میان گلرخان ، چون عندلیبان بینمت
در فضای دوستی ، خورشید رخشان بینمت
ای خلیل الله (**ناظم**) ، خاور و در باختر
عاشق جرمن ، و لاکن یار افغان بینمت
یا به مانند (**اسیر**) ، استاد و فخر شاعران
مهربان ، همچون پدر بر این و بر آن بینمت
یا به مانند (**خلیل الله معروفی**) ما
دشمن هر خائن و ، میهن فروشان بینمت
نه چو گلبدین و چون سیاف و چون ملا عمر
نه خلیلی و محقق ، کفر ایمان بینمت
بایدت بینم ترا پیوسته در روشنگری
همچو «نعمت» دوستدار نوع انسان بینمت
